



۱۲ جنوری، ۲۰۲۶

داکتر زمان ستانیزی

امان الله حیدر زاد به حق پیوست

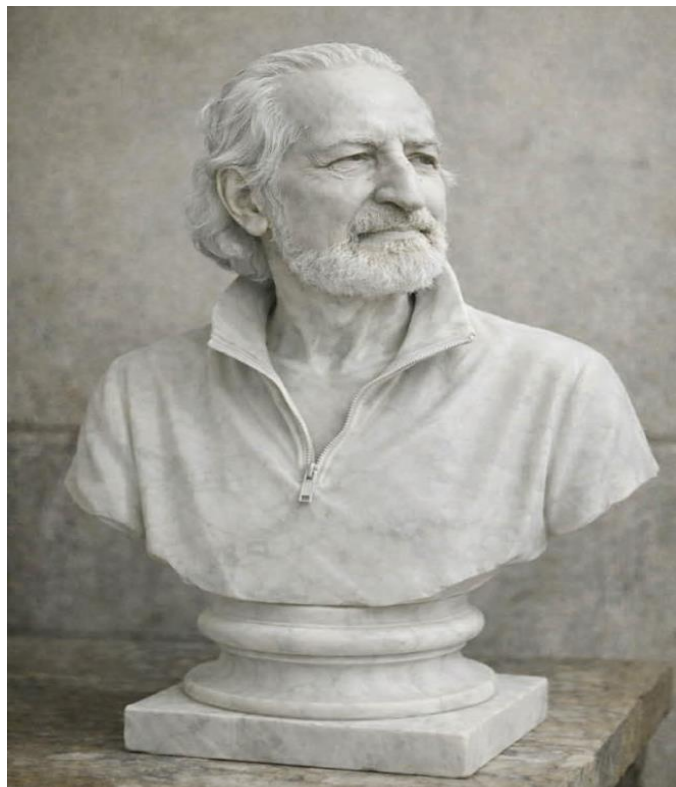
ذهن انسان زادگاه عمیقترین اندیشه های خلاق است. کارگاهی است، که هر چیز را خلق میکند، حتی تصاویری از خدا را. در واقع هیچ چیز به گونه ماده تجسم نمیکند، تا اول در مخلیه خلاق ذهن انسان ایجاد نشود. این خود اثبات الویت، قدامت و تفوق اندیشه گرایی است بر ماده پرستی. اندیشه وقتی مانده گار میشوند، که از آزمون زمانه بگذرد.

هر مشاهده انسان در ابتداً به حقیقت تظاهر میکند. شکل گیری اولین تصویر ذهنی ما از یک پدیده صرف یک برداشت است، که اکثراً آنرا در غفلت حقیقت میپنداریم. برداشتها و توقعات ناشی از آن در آزمون زمان رنگ میبازند. یک برداشت باید از آزمون زمان بگذرد، تا حقیقت بودن آن ثابت شود، ولی اکثر برداشتها انسانی در نهایت به حقیقت نمیپیوندند. دور اندیشی، درایت و فراست ما در این است، که حقیقت بودن برداشتهای خود را صرف در نسبیت زمان بپذیریم.

بهترین تمثیل چنین یک حقیقت را در اندیشه های خلاق هنرمندان میبینیم. از مایکل انجلو پرسیدند، که چگونه توانست مجسمه به چنان زیبایی حیرت انگیز را بترشد. گفت: *Ho visto il David nel marmo*. دیگران صخره را تماشا میکردند، من در درون سنگ هیكل حضرت

داود را با همه زیباییهای سه بُعدی آن میدیدم، که باید از قلب سنگ مرمر آنرا آزاد میکردم. اگر به صفت خلاقیت خداوند تقدس قائل شویم، باید هنرمند را یک ایجادگر و خالق با واسطه بدانیم، چون بیشتر از هر صفت دیگر خداوند، دو صفت خلاقیت و زیبا بینی خداوند در یک هنرمند بازتاب و درخشش بیشتر و بهتر دارد. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»، «خداوند زیبا است، و زیبایی را دوست دارد.» خلاقیت و زیبابینی در یک هنرمند به طور مدغم مطرح اند، چون هنرمند همزمان زیبایی را در خلقت و خلقت را در زیبایی میجوید، و آنرا ایجاد میکند.

استاد امان الله حیدرزاد، که جسماً دیگر در بین ما نیست، از هیکل تراشان نامور افغانستان معاصر است. آثار هیکل تراشی استاد حیدرزاد به اندیشه های او چنان ابدیت بخشیده است، که نه تنها سلیقه و ذوق هنری او را منقش میسازد، بلکه در بُعد فرهنگ زیر تهدید افغانستان به آن



جان تازه میبخشد. افغانیت «زده و زخمی» از دیده زیبا بین استاد حیدرزاد از خاک بلند شده، دوباره زنده میشود و فرصتی ایجاد میکند، که در آن افغانیت معنی تازه پیدا میکند. هنر او در این عالم بحر انزا در آستانه یک مکتب هنری خاص ریشه های وطنداری همه افغانها را آبیاری کرده، آنها را به سوی خواهری/برادری دعوت میکند – جائیکه مردم هویت های خود را مییابند، خودیها و خوبیها خود را درک میکنند و خواهری و برادری شان در نتیجه رسالت امان الله حیدرزاد به واقعیت می پیوندد.

استاد امان الله حیدرزاد بصیرتی داشت هنرمندانه، دیده داشت زیبا نگر، نورانیتی داشت درخشنده، تبسمی داشت ملیح، سرایت کننده، تسخیر کننده و سرشار از حکایات صفای قلبش. بالاتر از همه او دستی داشت توانا با تسلط هنرمندانه، که اندیشه های خلاقش را در انحای خطوط ذهنی اش طوری رقم میزد، که دیده ذهن خلاق خود را جلو دیده متحیر و متعجب هنرمندان و هنر پُسنان به واقعیت های سه بُعدی در می آورد.

استاد امان الله حیدرزاد برای هموطنان خود نمادی از افغانیت و انسانیت بود، که آثار خوبیهای زیادی برای ملت افغان به میراث گذاشته است. آثارش با یادش جاویدان باد.